

صاحب امتیاز: موسسه اطلاع‌رسانی و خبرگزاری ایلنا

مدیر مسئول: مسعود حیدری

زیرنظر شورای سردبیری

مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

چاپ: کار و کارگر ۱۷۳۱۷۶۶۸

نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانمهر، پلاک ۱۳۲

نشانی سایت: toseeirani.ir

تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰

اینستاگرام: @tosee_irani

شماره ۲۰۸۴ / شنبه ۶ دی ۱۴۰۴ / ۶ رجب ۱۴۴۷ / ۲۷ دسامبر ۲۰۲۵



کردن نشان باشگاه است، هرگز نمی‌تواند یک لیدر واقعی باشد. رامین با این کار، نه تنها به سایپنتو، بلکه به میراث باشگاه و احساسات میلیون‌ها هوادار دهن کجی کرد. او ناخواسته ثابت کرد که تصمیم سایپنتو برای حذف او، نه یک لجبازی، بلکه یک ضرورت اخلاقی و فنی بوده است.

سال‌ها بود که در استقلال، بازیکنان تعیین‌کننده فضای تیم بودند. بازیکن‌سالاری مثل خوره به جان این باشگاه افتاده بود. اما سایپنتو نشان داد که مربی، رئیس است، نه تدارکاتچی ستاره‌ها. او با این حرکت، دوباره معنای اقتدار را زنده کرد. اصطلاح «کت تن کیه» حالا دیگر یک شوخی نیست؛ این واقعیت جدید استقلال است.

حالا هر بازیکنی که بخواهد پیراهن این تیم را بپوشد، می‌داند که باید در خدمت سیستم باشد. سایپنتو با این پیروزی، امنیت روانی را به تیم برگرداند. حالا بازیکنان می‌دانند که اگر از جان مایه بگذارند، مربی پشت آنهاست، نه پشت اسامی پرزرق و برق.

استقلال بعد از جراحی منامه، تیمی است که هویت خود را باز یافته است. شاید در آینده باز هم شکست‌هایی در راه باشد، اما این شکست‌ها دیگر بوی بی‌تفاوتی نخواهند داد. سایپنتو به قیمت تحمل فشارها و توهین‌ها، درسی به فوتبال ایران داد که تا سال‌ها فراموش نخواهد شد: هیچ بازیکنی، تأکید می‌کند هیچ بازیکنی، از باشگاه بزرگ‌تر نیست.

رامین رضاییان و ابوالفضل جلالی شاید از نظر فنی بازیکنان بزرگی باشند، اما آنها بازی شخصیت را به سایپنتو باختند. استقلال با این برد، نه تنها به مرحله بعد صعود کرد، بلکه از بند اسارت اسامی ره‌اشد. امروز، هوادار استقلال به جای لایک کردن پست‌های نمایشی ستاره‌ها، به دنبال تماشای عرق ریختن سربازانی است که برای نام تیمش، تا آخرین نفس می‌جنگند.

همیشه نشان داد. جوان‌هایی که تا فصل پیش زیر سایه سنگین اسامی بزرگ بودند، ناگهان فضای برآی تنفس پیدا کردند. گل‌های استقلال در آن شب، نه بر اساس نبوغ فردی، بلکه بر اساس یک اراده جمعی به ثمر رسید. هر دویین، هر تکل و هر پاس، بوی انتقام از شرایط را می‌داد. پیروزی در منامه ثابت کرد که فوتبال، فقط بازی مهره‌هائ نیست، بازی قلب‌هاست. سایپنتو در آن شب به تنها بازی‌اربر، بلکه فلسفه‌م‌ریبگری خودش را در تاریخ باشگاه استقلال دیکته کرد.

اما عجیب‌ترین برده این نمایش، پس از سوت پایان بازی رقم خورد. در حالی که تمام ایران و هواداران ابی در سر تاس‌سر جهان غرق در غرور این پیروزی پاک و مقتدرانه بودند، رامین رضاییان با یک حرکت ناشایانه، تمام فرضیه‌های سایپنتو را تأیید کرد. پاک کردن نام استقلال از بیو اینستاگرام، آن هم درست در شب صعود و پیروزی تیم، نشان‌دهنده یک حقیقت تلخ بود؛ «من» برای او، همیشه بزرگ‌تر از «استقلال» بوده است.

این حرکت، تیر خلاصی به محبوبیت رامین بود. هوادار به خوبی درک کرد که ستاره‌ای که در شب شادی تیم، به فکر انتقام‌گیری شخصی و پاک کردن نام خودش از استقلال است، چه ارزشی دارد.

استقلال بعد از جراحی منامه، تیمی است که هویت خود را باز یافته است. شاید در آینده باز هم شکست‌هایی در راه باشد، اما این شکست‌ها دیگر بوی بی‌تفاوتی نخواهند داد. سایپنتو به قیمت تحمل فشارها و توهین‌ها، درسی به فوتبال ایران داد که تا سال‌ها فراموش نخواهد شد

پاسخ در نگاه عمیق سایپنتو نهفته بود. او به این باور رسیده بود که بی‌تفاوتی از کمبود بازیکن‌کشنده‌تر است. وقتی بازیکنی در تمرینات، آن ولع همیشگی برای پیروزی را نشان نمی‌دهد، وقتی زبان بدن یک ستاره بوی اشباع‌شدگی می‌دهد، او دیگر یک فرصت نیست، بلکه یک تهدید برای روحیه بقیه بازیکنان است.

سایپنتو با اخراج رضاییان و جلالی، آن هم در شرایطی که کوشکی محروم بود، اندونگ به جام ملت‌های آفریقا رفته بود و مهران احمدی به دلیل مصدومیت جایی در ترکیب نداشت، پیامی صریح به هر ختن‌فرستاد؛ اینجا نام‌های بازی نمی‌کنند، بلکه غیرت‌های می‌جنگند. او آگاهانه نیمکتش را خالی کرد تا به ۱۱ نفر داخل زمین بفهماند که هیچ راه بازگشتی نیست. او می‌خواست تیمش با ترس از شکست وارد زمین نشود، بلکه با اشتیاق ثابت کردن خود بجنگد.

پیروزی سه‌بر صفر مقابل المحرق، فقط یک پیروزی است؛ امتیازی نبوده؛ این یک سیلی واقعی به تمام کسانی بود که فکر می‌کردند استقلال بدون ستاره‌های اسمی‌اش فلج می‌شود. در غیاب رامین و ابوالفضل، استقلال تیم‌تر، منسجم‌تر و روئنده‌تر از

سایپنتو با اخراج رضاییان و جلالی، آن هم در شرایطی که کوشکی محروم بود، اندونگ به جام ملت‌های آفریقا رفته بود و مهران احمدی به دلیل مصدومیت جایی در ترکیب نداشت، پیامی صریح به ختن‌فرستاد؛ اینجا نام‌های بازی نمی‌کنند، بلکه غیرت‌های می‌جنگند

وقتی مربی پرتغالی اقتدار خودش را به رخ ستاره‌ها کشید

کت تن سایپنتو است!

واحد رنج می‌برد. حضور بازیکنانی که وزن نام‌شان از وزن پیراهنشان سنگین‌تر شده بود، ختن‌کار به جزیره‌های جداگانه تبدیل کرده بود. رامین رضاییان با تمام توانایی‌های فنی قابل‌انکارش، ناخواسته به کلون توجهی تبدیل شده بود که شعاع آن، بقیه تیم را در سایه قرار می‌داد.

سایپنتو به عنوان یک مربی تجربه‌گرا، به خوبی درک کرد که مشکل استقلال تاکتیک نیست، بلکه اتمسفر است. او متوجه شد که برخی مهره‌ها، به جای آنکه ابزاری در خدمت تیم باشند، تیم را ابزاری برای درخشش شخصی خودمی‌بینند. در چنین شرایطی، جراحی بدون بیهوشی تنها راه بود؛ حتی اگر این جراحی به قیمت بازی با اسامی محبوب هواداران تمام می‌شد.

سوال بزرگی که در ذهن هواداران نقش بسته بود، این بود؛ چرا حالا؟ چرا اقبل از یک بازی حیاتی؟

آر یا طاری

در تاریخ پر فراز و نشیب باشگاه استقلال، بزنگاه‌هایی وجود دارد که سرنوشت یک نسل را تغییر می‌دهد. اتفاقاتی که در آستانه بازی حساس با المحرق بحرین رخ داده، فرا تر از یک تصمیم انضباطی ساده بود. یکار دو سایپنتو با خط قرمز کشیدن روی نام دو سستاره بزرگ خود، یعنی رامین رضاییان و ابوالفضل جلالی، نه یک قمار، بلکه یک رنسانس را در فوتبال ایران پایه‌گذاری کرد؛ کاری که پیش از او شاید کی‌روش و برانکو هم انجام داده بودند. او ثابت کرد که برای نجات کل بدن، گاهی باید بخش‌هایی را که دیگر با قلب تیم هماهنگ نیستند، با شجاعت کنار گذاشت تا روح جمعی دوباره متولد شود.

استقلال پیش از بازی المحرق، تیمی بود که در ظاهر ستاره داشت، اما در باطن، از فقدان شخصیت

تکرار تاریخ برای رامین

در دنیای فوتبال، ستاره‌هایی هستند که با ساق‌های‌شان جادو می‌کنند، اما با رفتارهای‌شان تیشه به ریشه خود می‌زنند. رامین رضاییان، نمونه بارز بازیکنی است که گوئی در یک چرخه تکراری از اوج فنی و سقوط اخلاقی گرفتار شده است. حواشی اخیر او در استقلال و تقابلش با دیسپلین یکار دو سایپنتو، بار دیگر داغ یک زخم قدیمی را تازه کرد؛ زخمی که سال‌ها پیش برانکو ایوانکوویچ با یک جراحی دقیق، مانع از عفونت آن در پیکره پرسپولیس شده بود.

تاریخ بهترین قاضی است. سال‌ها پیش، زمانی که رامین رضاییان در اوج محبوبیت و آمادگی فنی بود، برانکو ایوانکوویچ تصمیمی گرفت که در آن زمان برای بسیاری از هواداران غیر قابل‌هضم بود. رانکو، رامین را نه به‌خاطر ضعف فنی، بلکه به‌خاطر عدم تمکین از نظم تیمی کنار گذاشت. پرفسور کروات خیلی زود فهمیده بود که رامین رضاییان، علی‌رغم تمام توانایی‌هایش در سناستر کردن و نفوذهای ناگهانی، یک مهره ناسازگار در پازل تیمی است.

برانکو می‌دانست که حضور بازیکنی که خودش را از نام باشگاه بزرگ‌تر می‌داند، در بلندمدت ر ختن‌ارماندگی می‌کند. او رامین را کنار گذاشت تا به یک نسل یاد بدهد که در تیم، او ستاره فقط نظم است. امروز، پس از گذشت سال‌ها، شباهت رفتار سایپنتو با برانکو نشان می‌دهد که میراث صاحبسبک، فارغ از رنگ‌ها، در یک نقطه اشتراک دارد؛ هیچ بازیکنی اجازه ندارد توازن روانی تیم را به هم بزند.

لیست حواشی رامین رضاییان، از پرسپولیس و سپاهان گرفته تا تیم ملی و اخلا استقلال، بطور تر از

اتفاق روز

نازنین دشتی

تماشای وحید هاشمیان در برنامه «شب‌های فوتبالی»، پیش از آنکه یک مصاحبه ورزشی باشد، تماشای فروپاشی یک پرستیژ بود. برای ما که سال‌ها وحید را لقب «هلی کوپتر» و یادسیپیلین مثل زدن فوتبال آلمان می‌شناختیم، مواجهه با مربی‌ای که پشت‌سیر «تئوری توطئه» سنگر گرفته، گزندو تلخ‌بود. هاشمیان نیامده بود که گروای از ابهامات باز کند؛ او آمده بود تا با جمله تکراری «گذار من بگویم»، راه‌را بر هر پرسشگری و نقد فنی ببندد. اما واقعیت فوتبال، برخلاف جملات اتو کشیده و حید، در مستطیل سبز نوشته می‌شود، نه در استودیوهای تلویزیونی.

هاشمیان با صراحتی عجیب از جریان‌سازی علیه خودش سخن گفت. او مدعی است که از هفته دوم و چهارم، جریان سازمان‌یافته علیه او شکل گرفته است. اما بیابید به مقب بر گریم؛ به همان هفته‌های ابتدایی. آقای هاشمیان! کدام جریان علیه شما بود جز جریان سردوبی تاکتیک تیم خودتان؟ هوادار پرسپولیس نه‌اجیر شده کسی بود و نه کدی از جایی می‌گرفت؛ هوادار تیمی‌را می‌دید که مقابل تیم‌های بی‌نام و نشان، نه تنها حاکم میدان نبود، بلکه زیر فشار سنگین حریف، نفسش بند می‌آمد. وقتی تیمی در زمین راه نمی‌رود، وقتی برنامه‌ای برای خروج از پرس ندارد و وقتی هوادار ارتباط می‌شود با روی نیمکت می‌بیند، نیازی به اتاق فکر و جریان‌سازی نیست. هوادار با چشم خودش می‌دید که پرسپولیس دارد هویتش را از دست می‌دهد. این بزرگ‌ترین فرار رو به‌جلوی هاشمیان بود؛ متهم کردن سکوها‌ای سرپوش گذاشتن بر درماندگی فنی.

شاید کونده‌ترین سند علیه مربیگری وحید هاشمیان، وضعیت فعلی بازیکنانش باشد. او در صحبت‌هایش مدام از زمان حرف زد و خودش را با اونسان کمپانی در باین مونخ مقایسه کرد. اما این قیاس، بیشتر شبیه یک شوخی تلخ بود. زمان را به مربی‌ای می‌دهند

چهره به چهره

ستاره پرتغالی ممکن دوباره مسافر ایران شود

و باز هم رونالدو...

با پایان مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا ۲۰۲۵-۲۰۲۶)، هیجان در فوتبال ایران به اوج خود رسیده است. صعود هم‌زمان استقلال و سپاهان به مرحله یک‌هشتم‌نهایی، نه تنها یک موفقیت برای فوتبال باشگاهی ماست، بلکه یک سناریوی جذاب را پیش روی هواداران قرار داده است: تقابل دوباره با کریستیانو رونالدو.

در حالی که تراکتور در سطح‌نخبان (Elite) به عنوان تنها نماینده ایران می‌در خشد، استقلال و سپاهان در سطح دوم آسیا نوانسته‌اند از گروه‌های خود صعود کنند. حالا چشمان همه به قرعه‌کشی روز ۹ دی‌ماه (۳۰ دسامبر)

داستان را به تن کند. این تناقض، برای کسی که همیشه از اصول حرف می‌زد، یک سقوط تمام‌عیار اخلاقی بود.

رفتار هاشمیان با مجری برنامه، نشان‌دهنده آشفتگی درونی مربی‌ای بود که می‌دانست دستش در حوزه فنی خالی است. او اجازه نمی‌داد سوالاتی پرسیده‌شود. او می‌خواست نور تکراری خودش را پخش کند؛ «من شریار مقابلو را می‌خواستم، من هالر را می‌خواستم». آقای هاشمیان! مربیگری یعنی از دانش‌ها خروجی گرفتن. مربی بزرگ کسی است که با همان مهره‌هایی که دارد، یک ساختار بسازد. لیست دادن به مدیرت و بعد بهانه آوردن برای جذب نشدن بازیکنان، ساده‌ترین کار ممکن است. اما ساختن تیمی که ۱۲۰ دقیقه بجنگد، کار مربی‌ای است که به جای رینگ بوکس، وقتش را در مستطیل سبز و روی تخته‌الایز گذرانده‌باشد.

هاشمیان از فعالیتش در بوکس گفت و اینکه آدم‌ها هستند و او باید از خودش دفاع کند. این یعنی وحید هنوز هم در گیرانکار است. او شکست فنی‌اش در پرسپولیس را حاصل بدی آدم‌های داند، نه ضعف تاکتیک‌ی خودش. فوتبال، رینگ بوکس نیست که با مشت‌زدن به متعلقان برنده‌شوی. فوتبال دنیا، اعداد و نمایش داخل زمین است. پرسپولیس هاشمیان، تیمی مرده بود که با رفتن او دوباره نفس کشید. این حقیقت تلخی است که وحید نمی‌خواهد باور کند. او می‌گوید برمی‌گردد، اما این‌ها حجت از لجابت و فرار از واقعیت، بازگشت او تنها تکرار باسفه خواهد بود.

وحید هاشمیان باید قبول کند که دوره مربیگری‌اش در پرسپولیس، یک پیک‌بست کامل بود. او نه تنها در زمین بازی را باخت، بلکه در رینگ اخلاق و پاسخگویی هم ضربه‌شدی. هلی کوپتر محبوب ما، با سوخت مظلوم‌نمایی و بهانه‌جویی، هرگز دوباره اوج نخواهد گرفت. واقعیت فوتبال ساده است؛ تیمی که بجنگد، هوادار پشتش می‌آید. تیمی که ایده‌داشته‌باشد، زمان می‌گیرد. و مربی‌ای که صادق باشد، محبوب می‌ماند. وحید هاشمیان هر سه را فدای غروری کرد که اجازه نمی‌دهد بگوید «من اشتباه کردم، من بلد نبودم!

چهره به چهره

تیم (الاھلی قطر، الحسین اردن یا النصر عربستان) روبه‌رو خواهد شد. به‌زبان ساده، احتمال ۳۳.۳ درصدی وجود دارد که استقلال حریف النصر شود. احتمال تقابل سپاهان و رونالدو؛ سپاهان نیز وضعیت مشابه دارد. زردپوشان که با الحسین اردن هم گروه بودند، در مرحله بعد با یکی از سه تیم (الوصل، الاھلی یا النصر) برخورد می‌کنند. در اینجا نیز سانس ۳۳.۳ درصدی برای تماشای تقابل سپاهان و واران رونالدو وجود دارد. برخلاف لیگ‌نخبان که فرمت متفاوتی دارد در لیگ قهرمانان ۲، مسابقات مرحله یک‌هشتم به صورت رفت و برگشت برگزار می‌شود. این یعنی در صورت برخورد با النصر، هواداران ایرانی قطعاً شانس تماشای بازی رونالدو در خاک ایران (در صورت رفع محدودیت‌های میزبانی) را خواهند داشت. دیدارهای رفت در بازه ۲۱ تا ۲۳ بهمن و دیدارهای برگشت در اواخر بهمن‌ماه برگزار خواهد شد. باید منتظر ماند و دید که آیا چرخ روزگار، بار دیگر مسیر بزرگ‌ترین بازیکن تاریخ لیگ قهرمانان را به ورزشگاه‌های ایران می‌کشد یا خیر.